

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

بهرام رحمانی

۰۹ مارچ ۲۰۱۳

مصاحبه جعفر جعفر نژاد

با بهرام رحمانی در رابطه با مذهب و مسأله زن

(قسمت اول)

جعفر جعفر نژاد: من از این فرصت استفاده می کنم و هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه انسان های آزاده و برابری طلب تبریک می گویم. از این که دعوت من را برای سلسله گفت و گوهائی در رابطه با مذهب و مسأله زن پذیرفتید تشکر می کنم. اولین سوالم این است که در صورت امکان درباره عرصه های فعالیت تان و نوشته های تان، به ویژه درباره زنان بگویند؟

بهرام رحمانی: با دروهای فراوان به شما و خوانندگان محترم. من هم هشت مارچ را به شما و همه انسان های آزادی خواه و برابری طلب تبریک می گویم. شما که عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید هستید و در کارهای تحقیقی از جمله در عرصه زنان نیز فعالیت دارید کمابیش با فعالیت های من آشنا هستید. من در حال حاضر عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، انجمن قلم ایران (در تبعید)، کانون نویسندگان سویدن، انجمن قلم سویدن و عضو اتحادیه روزنامه نگاران سویدن هستم.

تاکنون علاوه بر فعالیت های عملی سیاسی، صدها سخنرانی، مصاحبه، گفت و گوی رادیویی و تلویزیونی، ۱۲ جلد کتاب درباره مسایل سیاسی و اجتماعی و ترجمه از ترکی به فارسی و هم چنین صدها مقاله نوشته ام. از جمله سه جلد از کتاب های «زنان در اسارت جمهوری اسلامی»، «مذهب، ناسیونالیسم و مسأله زن» و «رهائی زن» در رابطه با معضلات و مشکلات و محدودیت های زنان و مبارزه زنان و مردان برابری طلب برای رهائی زنان است. به باور من، در جامعه ای که زنان آزاد نباشند هیچ کس در آن جامعه آزاد نیست و هیچ مبارزه ای نیز بدون حضور و دخالت فعال زنان به آزادی و برابری منجر نخواهد شد.

۱- شما که درباره اسلام و زنان سه کتاب و ده ها مقاله نوشته اید. نظراتان به طور کلی و اجمالی و مختصر درباره خدا و مذاهب چیست؟

- پاسخ صریح من این است که شخصاً نه به خدا و نه به انواع و اقسام مذاهب بزرگ و کوچک و نه به کتاب های آسمانی و نه پیامبران و امامان و امام زمان و غیره هیچ گونه باوری ندارم. کسانی که می گویند خدا جهان و

موجودات را آفریده و قرآن و انجیل و تورات کتاب های آسمانی هستند من در جواب می گویم سخت در اشتباهید. چرا که اتفاقا خدا و کتاب های به اصطلاح آسمانی و پیامبران و غیره را بشر آفریده است. بهشت و جهنم در آن دنیا، ذهیت و توهمات بشر است. بهشت و جهنم در این دنیا و در کره خاکی است. یعنی صاحبان قدرت، سرمایه داران و پولداران در بهشت و کارگران و مردم فقیر به ویژه زنان در کشورهای عقب نگاه داشته شده و در حال توسعه، در جهنم زندگی می کنند.

۲- خلقت جهان و انسان به خدا نسبت داده می شود. نظر شما چیست؟

- خلقت انسان در قرآن و دیگر کتاب های به اصطلاح «آسمانی» داستان گونه و به دور از هرگونه واقعیت و بررسی های علمی و تاریخی تکامل بشر توسط دانشمندان است.

این سؤال که «از کجا آمده ایم؟» و «منشاء ما چیست؟»، همیشه از پرسش های اساسی ذهن بشر بوده است. در قرن حاضر، دو روایت از آن توسط منابع مذهبی و منابع علمی ارائه شده که یکی منشاء انسان را «آفرینش مستقیم توسط خدا» و دیگری، «تکامل از موجودات زنده ابتدائی تر» عنوان می کند.

از ابتدای خلقت تا روز قیامت مذهبی، حتا دین خداوندان یکی بیش نبوده است اما بسیاری این داستان را این گونه روایت کرده اند که از آدم تا محمد، بشر را به یک دین دعوت نموده اند و می افزایند، خداوند گفته است: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و...؛ خداوند برای شما دینی قرار داد که قبلا به نوح توصیه شده بود، اکنون به تو توصیه می کنیم و به ابراهیم و موسی و عیسی نیز توصیه کردیم.»

خداوند این دین مورد نظر را «اسلام» نام نهاده و در قرآن نیز از آن چنین نام برده است:

«دین نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.»

«ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه مرد موحد و مسلمانی بود.»

و در جای دیگری از قرآن، آمده است: «ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود چنین وصیت کردند: خداوند برای شما دین انتخاب کرده پس نمیرید مگر مسلمان باشید.»

در نهج البلاغه فیض السلام خطبه ۲۳۴، آمده است: «خداوند از آن زمان که رسول خدا از شیر باز گرفته شد بزرگ ترین فرشته اش را قرین وی ساخت تا شب و روز او را به راه های مکارم و طریق اخلاق نیک سوق دهد.»

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱: «پیامبر اسلام قبل از رسالت دارای مقام نبوت بوده گاهی فرشتگان با او سخن می گفتند و او صدای آن ها را می شنید و گاهی در رؤیای صادق به او الهام الهی می شد.»

محمد در سن چهل سالگی، پیامبری خود را اعلام کرد و این که قبل از آن تاریخ خود محمد، چه دینی را می پرستید و یا خدایاور بود یا نه، روشن نیست.

همه مواردی که به صورت اشاره، به صورت دو آیت و سه آیت، یا به صورت چند آیت، درباره آفرینش انسان و آدم در قرآن آمده، همه می خواهد یک نتیجه گیری کلی کند: ای انسان، خدای آفریدگار تو را خلق کرد تا اگر او را بپرستید بعد از مرگ به بهشت خواهید رفت و اگر به آن پشت کردید به جهنم. بنابراین، خدای محمد از طریق قرآن می خواهد انسان را با تهدید و رشوت و ترس و وحشت وادار به پرستش خود نماید. در این میان تهدید زنان بسیار شدیدتر از مردان است.

نام «آدم» در قرآن نام شخصی معین است و نه نام کلی انسان ها. سؤال این است که آیا قبل از پیدایش این آدم شخصی، موجود جاننداری که از نظر قد و قامت و کارهای حیوانی شبیه او باشد وجود داشته یا نه؟ در قرآن در این باره چیزی نمی توان یافت.

پس خدا، دین، قرآن، انجیل، تورات و...، افکار و تصورات و تخیلات و روایات دینی، ربطی به علم و دانش و موجودیت و تکامل انسان نداشته و همگی ساخته و پرداخته ذهنیت بشری اند و خارج از آن چیزی وجود ندارد.

علی امام اول شیعیان، در زمینه خلقات انسان توسط خدا، داستان خنده داری تعریف کرده است: «خداوند مقداری خاک از قسمت های سخت و نرم زمین و خاک های مستعد، شیرین و شوره زار آن گرد آورد، و آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با رطوبت، آن را به هم آمیخت تا به صورت موجودی چسبناک درآمد و از آن صورتی دارای اعضاء و جوارح، پیوستگی ها، گسستگی ها آفرید، آن را جامد کرد تا محکم شود و صاف و محکم و خشک ساخت تا وقتی معلوم و سرانجامی معین و آن گاه از روح خود در او دمید و دارای افکاری قرار داد که به وسیله آن در موجودات تصرف کند به او جوارحی بخشید که به خدمتش پردازد و ابزاری عنایت کرد که وی را به حرکت درآورد، نیروی اندیشه به او بخشید که حق را از باطل بشناسد و ذائقه، شامه و وسیله تشخیص رنگ ها و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد و او را معجونی از رنگ های گوناگون و مواد موافق و نیروهای متضاد و اخلاط مختلف حرارت، برودت، رطوبت، بیوست، ناراحتی و شادمانی ساخت. عبدالله بن یزید بن سلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد آفرینش آدم و این که چرا «آدم» نامیده شد، پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای این که از خاک و گرد و غبار روی آن آفریده شده است. گفت: آیا آدم از تمامی خاک ها آفریده شد، یا از یک نوع از خاک؟ فرمود: بلکه از تمامی خاک ها، زیرا که اگر از یک نوع خاک آفریده شده بود، همدیگر را نمی شناختند، و همه با یک قیافه آفریده می شدند. گفت: آیا در دنیا مثلی برای انسان ها هست؟ فرمود: خاک؛ چرا که خاک انواع و اقسامی دارد: خاک سفید، سبز، سرخ مایل به سفیدی، غبارآلود (سفید کدر)، سرخ، صاف، سرد، شوره زار، خشن، نرم. لذا مردم هم مانند خاک ها نرم، خشن، سفید، زرد و سرخ به رنگ خاک ها آفریده شدند...»

در پیدایش باب ۱ «کتاب مقدس» آمده است که زمین و آسمان و تمامی جانداران روی آن در عرض ۶ روز ساخته شده و نه طی یک فرایند چند میلیون و یا حتی میلیارد ساله. علاوه بر آن در کتاب مقدس روایت شده که خدا این موجودات را خلق کرده و آنان طی یک فرایند طبیعی مستقل از خدا به وجود نیامده است.

جالب این است که پیدایش باب ۱ در بین النهرین، و بیش از هزار سال قبل از میلاد نوشته شده بود. در آن زمان داستان های مختلفی در بین النهرین پیرامون داستان پیدایش به رشته تحریر در آمده و رواج یافته بود. لیکن روایت کتاب پیدایش در نوع خود منحصر به فرد بود، چرا که در داستان های دیگر، خدایان بودند که جهان را آفریده بودند، در حالی که در روایت کتاب پیدایش تنها یک خدا یعنی یهوه، الوهیم خدای یگانه آن را خلق کرده بود. در برخی از داستان های پیدایش بین النهرینی، انسان ها برای بردگی و خدمت کردن به خدایان آفریده شده بودند و یا نتیجه خشونت و کشتار خدایان بودند. ولی کتاب پیدایش نگاه دیگری راجع به انسان معرفی می کند و آن این است که خدای یگانه انسان را به شباهت خود خلق کرد.

با توجه به عمر موجود زنده بر روی کره زمین (چهار میلیارد سال) و عمر قدیمی ترین باقی مانده های حیوانی (یک میلیارد سال) و سرانجام اولین مهره داران که به ۵۰۰ میلیون سال پیش تعلق داشته اند، عمر انسان (حدود ۳ میلیون سال پیش) می رسد. به عبارت دیگر می توان گفت که انسان جزء جوان ترین موجوداتی است که بر روی کره زمین ظاهر شده و زندگی می کند. این در حالی است که زیست شناسان سابقه پستانداران جنین داری که انسان هم نوعی از آن ها محسوب می شود را دست کم هفتاد میلیون سال تعیین کرده اند. صاحب نظران جمعیت انسانی کره زمین را از ابتداء تا امروز ۹۰ میلیارد نفر تخمین زده اند که چیزی بیش از ۳۰۰ هزار نسل در این مجموعه قابل شناسایی است. پیدایش اولیه انسان در کره زمین را با توجه به نظریات مختلف علمی موجود می توانیم در حدود چهار میلیون سال پیش در نظر بگیریم.

می بینیم که چه داستان های مسخره ای سر هم بندی کرده اند تا بگویند: پس حیات و هستی، نشانه ای از قدرت بی چون و چرای الهی است و به هیچ وجه جنبه مادی ندارد؟!

بنا به نظریه های برخی دانشمندان، تحقیقات علوم طبیعی و مطالعات علمی در زمینه شناخت طبیعت، روش و شیوه ای دارد که بیش تر بر مشاهدات عینی خارجی، تجربیات آزمایشگاهی، بررسی های تطبیقی، و نتیجه گیری های علمی از این مشاهدات و تجربه ها و بررسی های چندین سده دانشمندان تکیه دارد. در واقع شیوه های مورد استفاده در این قرن های اخیر در زمینه شناخت طبیعت، شیوه های پیشرفته، آگاهی بخش و پرثمری بوده است.

یکی از چهره های سرشناس و درخشنده در طبیعت شناسی علمی «چارلز داروین» است. داروین، دانشمندی که بین ۱۸۰۹ تا ۱۸۸۲ زندگی کرد، مطالعه زندگی نامه او، نشان می دهد که به تمام معنا جست و جوگر، علم دوست، و عاشق شناخت بهتر جهان بوده است. داروین، با بردباری قابل تحسینی مجموعه اطلاعات علمی را که درباره پیدایش موجودات طبیعت، و مخصوصاً موجود زنده، تا عصر او دیگران در کتاب هایشان نوشته بودند گردآوری کرد و کتاب عظیم تر و بزرگ تری پر راز و در عین حال آگاهی بخش طبیعت را تدوین و منتشر کرد.

او، با مطالعاتش توانست در شناساندن علمی پیدایش و تکامل بشر گام های مهمی بردارد که به نام داروینیسم معروف شد. نشانه های علمی بر این پیدایش تکاملی موجود زنده که داروین و دنبال کنندگان نظریه او به آن ها استناد کرده اند سه نشانه اصلی است:

۱ - فسیل های گیاهی و حیوانی و احیاناً بازمانده های پیکرهای حیوانی و انسانی و ترتیب تاریخی که در پیدایش آن ها با معیارهای تاریخ طبیعی می توان حدس زد.

گاهی می خوانیم در فلان نقطه جهان، استخوان هائی از یک انسان باقی مانده که با ترکیب آن ها بر روی یکدیگر می توانند حدس بزنند اندامش چگونه بوده، حتا با چهل پنجاه در صد قرابت تصویر او را می کشند.

۲- در کنار این، یک نشانه دیگر هست که از نظر جهان شناسی و طبیعت شناسی بسیار جالب است، و آن مشابهت موجود در ساختمان اصلی سلول ها و ارگانسیم موجودات زنده و تکامل این مشابهت در موجوداتی است که ما آن ها را در بستر تکامل تنظیم و رده بندی می کنیم. وقتی این مشابهت را الان هم در میان این موجودات زنده ای که فکر می کنیم پیدایش آن ها در تاریخ طبیعت در یک ردیف بوده دنبال می کنیم، اولاً یک مشابهت کلی در ساختمان سلول ها و در ساختمان کلی این موجودات می یابیم و ثانیاً تکامل این مشابهت هر چه جلو می رود بیش تر می شود.

۳- نشانه سوم بسیار جالب است: تجلی آن تاریخ طولانی تکامل در تکامل جنین. یعنی یک جنین که معمولاً نه ماه در شکم مادر است، اگر ما بخواهیم همین سیر تکاملی آن را بررسی کنیم می بینیم مثل فهرست کوتاهی است از آن کتاب مفصل تاریخ طبیعت؛ یعنی همان مراحل تکاملی که برای موجود زنده از تک سلول تا انسان در تاریخ طبیعت هست همان مراحل به صورت خلاصه و فشرده در جنین انسانی یا در جنین حیوانات دیگر هست. آن تاریخ طولانی تکامل موجود زنده در تکامل جنین و دوران هائی که در رحم یا تخم می گذراند تجلی می یابد؛ به خصوص در جنین انسان تا رسیدنش به مرحله انسان شدن.

داروین و دیگران از این نشانه ها نتیجه گرفتند که همه موجودات این جهان، حتا انسان، مولود حرکتی تکاملی هستند که در طبیعت به صورت همه جانبه وجود دارد. در پرتو این نتیجه گیری، طبیعت شناسان تاکنون موفق به کشف بسیاری از رازهای نهفته طبیعت شده اند.

دانشمندان، در مورد تکامل گفته اند که یک مقدار نتیجه گیری قطعی و یک مقدار نتیجه گیری غیرقطعی به دست آورده ایم و هم چنان آن ها را پیگیری می کنیم تا جنبه های ناروشن آن را روشن کنیم. اما قطعاً می توان گفت موجودیت و تکامل بشر کم ترین ربطی به ادعاهای مذهبیبون ندارد.

بنابراین، داروین با بررسی آناتومی استخوان بدن جانورانی که جمع آوری کرده بود به این نتیجه رسید که شباهت بسیار زیادی در طرز شکل گیری ساختار استخوان ها وجود دارد و هم چنین مشاهده کرد که بدن انسان بسیار شبیه بدن بوزینه که یکی از گونه های Primates هستند، می باشد. این دانشمند نظریه تکامل را ارائه کرد که طی دویست سال گذشته بحث انگیزترین نظریه بوده است.

شایان ذکر است که چارلز داروین، طبیعیدان انگلیسی، اگر چه برای ارائه «نظریه تکامل» در ابتداء مورد خشم نمایندگان کلیسا قرار گرفت، اما کلیسای بریتانیا در سپتمبر گذشته اعلام کرد که ۲۰۰ سالگی داروین را فرصت مناسبی می داند تا از او به علت برداشت نادرستی که از گفته هایش داشته، عذرخواهی کند.

همین امروز نیز «استیون هاوکنگ»، فیزیکدان و اخترشناس به ما می گوید: «... قوانین طبیعت مطلب مهمی را نشان می دهد، قوانین طبیعت به ما می گویند که در این جا هم زمان از حرکت باز می ایستد. شما نمی توانید به زمانی بیش از انفجار بزرگ بروید، چون زمانی بیش از انفجار بزرگ وجود ندارد! ما نهایتاً چیزی را پیدا کردیم که علتی ندارد، چون بیش از آن زمانی نیست برای این که یک علت بتواند وجود داشته باشد، برای من این به این معنای ناممکن بودن وجود خالق است، چون زمان برای خالق وجود ندارد. از آن جایی که خود زمان از لحظه انفجار بزرگ آغاز شد، انفجار بزرگ رویدادی نیست که بتواند به واسطه کسی یا علتی پدید آمده باشد! بنابراین علم به ما پاسخی را می دهد که به دنبالش بودیم. پاسخی که سه هزار سال تقلاي بشر را برای دانستنش به همراه داشت! ما کشف کردیم که چگونه قوانین طبیعت عمل کننده بر ماده و انرژی جهان فرآیندی را آغاز کردند که نهایتاً به پیدایش ما انجامید. در حالی که در سیاره خودمان هستیم، بسیار خوشحالیم که همه این ها را می دانیم. بنابراین زمانی که مردم از من می پرسند آیا خدا جهان را خلق کرده است؟ من پاسخ می دهم خود این پرسش اساساً درست نیست. «زمان» بیش از انفجار بزرگ وجود نداشت، بنابراین زمانی برای خدا وجود نداشت که جهان را خلق کند! این پرسش به این می ماند که درباره جهت لبه زمین پرسیم زمین کروی است و هیچ لبه ای ندارد، پس جست و جوی لبه زمین، بیهوده است! ما همگی آزاد هستیم آن چه را که می خواهیم بپذیریم و به نظر من ساده ترین توضیح این است که هیچ خدایی وجود ندارد! هیچ کس جهان را خلق نکرده و هیچ کس ایمان ما را هدایت نمی کند. این موضوع من را به درک موضوعی هدایت می کند احتمالاً هیچ بهشت یا زندگی پس از مرگی وجود ندارد! ما همین یک زندگی را داریم برای این که سپاسگذار طراحی عالی کائنات باشیم و از این بابت من بسیار سپاسگذار هستم. (بخش کامل این مطلب در سایت های اینترنتی قابل دسترس است و بر مبنای برنامه ویدئویی از استیون هاوکنگ به نام «آیا خدا وجود دارد!» تنظیم شده است.)

۳- قوانین حکومت اسلامی برگرفته از قوانین اسلامی و قرآن است. نگرش اسلام نسبت به حقوق کودکان چگونه است؟ برای مثال، یکی از زنان محمد، عایشه بود که گفته می شود بیش تر از نه سال نداشت. البته محمد زنان بی شماری داشت و در جهت کنترل زنانش آیت هانی هم در قرآن وجود دارد. نظرتان در این مورد چیست؟

- در ایدئولوژی و تفکر اسلامی و به طور کلی مذاهب، زن نصف انسان محسوب می شود از این رو، او باید به هر خواسته مرد گردن بگذارد و مانند کالا و اشیای خانه مرد به حساب می آید.

با مطالعه تاریخ، روشن می شود که ازدواج های محمد نه براساس عشق و شناخت، بلکه براساس شهوت رانی و مصالح خاص سیاسی صورت گرفته است.

در اسلام، حقوق دختر و پسر بسیار متفاوت است. در نزد بسیاری از خانواده ها، به ویژه خانواده های مذهبی و سنتی، به دنیا آمدن پسر ارج و احترامی دارد. در حالی که نسبت به نوزاد دختر چنین جایگاهی قائل نیستند و چه بسا بسیاری

از زنان به دلیل زائیدن دختر مورد تحقیر و توهین شوهر و خانواده شوهر مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ قرار می گیرند. اگر پسر «نعمتی» برای خانواده به حساب می آید دختر مایه «شرمساری و بدبختی» است. متأسفانه همین امروز نیز در نزد بسیاری از خانواده های مذهبی همین نگرش تبعیض آمیز به فرزند دختر و پسر وجود دارد. از این رو، سعی در اسلام شده است دختر هر چه زودتر به خانه شوهر برود. برای مثال در رساله احکام خیلی از روحانیون از جمله روح الله آیت الله خمینی ببنان گذار حکومت اسلامی نیز آمده است که بهتر است دوران قانندگی دختر در خانه شوهر آغاز شود.

برای مثال، خمینی، در حکم و یا فتوای ۲۴۱۰ خود، می نویسد: «اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و بیش از آن که نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، چنان چه او را افضا نماید هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند.»

سؤال این است که چرا باید دختر نابالغ به عقد کسی درآورده شود؟ آیا همبستر شدن کسی با دختر بچه، غیر از پدوفیلیسم معنی دیگر می دهد؟ در جوامع متمدن و پیشرفته چنین اعمالی جرم بزرگی محسوب می شود.

به این ترتیب، الگوی بسیاری از روحانیون و مسلمانان همان الگوی محمد است. محمد حدود ۵۰ سال داشت که عایشه هفت ساله را به عقد خود درآورد و در سن هشت و نیم و یا نه سالگی با این کودک همبستر شد.

از عایشه، روایت شده است که به پیامبر گفته است: «چنین به نظر من می رسد که خداوند تو در ارضای امیال تو شتابان است.» واقعا هم در سؤال و جواب قبلی دیدیم که اکنون نیز سران حکومت اسلامی و نمایندگان مجلس آن، به سرعت در راستای «ارضای امیال جنسی خدا و پیامبرشان» و دست اندرکاران حکومت و حامیانش گام برمی دارند.

در واقع قوانین حکومت اسلامی به ویژه قانون خانواده آن، احیای سنت محمد پیامبر مسلمانان است. محمد، در حالی که بیش از ۵۰ سال داشت عایشه دختر بچه هشت نه ساله را به عقد خود درآورد و به این بچه تجاوز کرد. او، زنان متعدد داشت و هر شب را اختصاص به یکی از زنان خود می داد. بنابراین، نگرش محمد و قرآن او که در واقع مانیفست حکومتش در دوران ۱۴۰۰ سال پیش در شبه جزیره عربستان بود و امروز نه تنها به درد هیچ بنی بشری نمی خورد، بلکه مضر هم هست؛ زیرا به ویژه نسبت به استقلال انسانی و حقوق زنان، نگرشی به غایت غیرانسانی و وحشیانه دارد.

همه این قوانین حکومت اسلامی، توضیح المسائل آیت الله ها، همگی ریشه در قوانین ۱۴۰۰ سال پیش قوانین حکومت اسلامی محمد پیامبر مسلمانان که در کتابی به نام «قرآن» جمع آوری شده اند و یا نقل قول ها و فتواها و احادیث دارند. اولین همسر محمد، خدیجه بود که از خاندان سرشناس و از زنان ثروتمند مکه به شمار می رفت. ازدواج او با محمد، مهم ترین عامل پیشرفت محمد بود. او، تمامی ثروت خود را در اختیار محمد گذاشت تا به سوی حاکمیت خیز بردارد. همین نمونه خدیجه، نشان می دهد که قبل از حکومت اسلامی محمد، زنان شبه جزیره عربستان آزادتر بودند و در عرصه های تجاری و فرهنگ و هنر نیز فعالیت داشتند.

محمد در سن ۲۵ سالگی با خدیجه ازدواج کرد، در حالی که خدیجه، ۴۰ سال داشت، یعنی ۱۵ سال از محمد بزرگ تر بود و قبل از او نیز دو بار ازدواج کرده بود. او دو فرزند به نام های هاله و هند از شوهر اول و از همسر دومش نیز یک فرزند داشته است. خدیجه و محمد، ۲۵ سال زندگی کردند و صاحب فرزندان به نام طیب، طاهر، زینب، ام کلثوم، رقیه و فاطمه بودند. خدیجه در سن ۶۵ سالگی، در مکه درگذشت. در آن هنگام محمد ۵۰ سال داشت. محمد بعد از این ازدواج با خدیجه بود که توسط او، پایش به محافل سیاسی قبایل بزرگ و سرمایه داران باز شد و در ۴۰ سالگی خود را پیغمبر نامند. بنابراین، قبل از هر چیز ثروت و معروفیت خدیجه، پلکان ترقی محمد به سوی حاکمیت شد.

محمد یک سال بعد از مرگ خدیجه، با سوده بنت زمه ازدواج کرد. سوده بسیار سال خورده بود. در تاریخ آمده است که ازدواج محمد با چنان زن سال خورده ای تعجب مکیان را برانگیخت. سال خوردگی وی به گونه ای بود که او چند سال پس از ازدواج پیامبر با عایشه، حق هم خوابگی خود را به عایشه بخشید.

محمد، عایشه شش یا هفت ساله را به عقد خود درآورد و در هشت و نیم و یا نه سالگی با او همبستر شد. بر این اساس مراجع تقلید و روحانیون بلوغ دختران را نه ساله می دانند. هنگام اجرای صیغه عقد، عایشه شش یا هفت ساله بود، توجیه می کنند که اجرای صیغه با اذن پدر بود. عقد با رضایت پدرش ابوبکر خوانده شد. بنابراین، یکی از قوانین اسلامی این است که دختر نابالغ را می توان با رضایت پدر شوهر داد.

علت ازدواج پیامبر با عایشه نیز بنا بر مصالح سیاسی بود. عایشه دختر ابوبکر دارای قبیله بزرگی بود و محمد برای نفوذ سیاسی و اجتماعی خود با عایشه ازدواج کرد.

محمد در ۵۶ سالگی با حفصه ازدواج کرد. در آن زمان سوده و عایشه نیز همسر او بودند. او در همان سال، زینب را به همسری خود درآورد و تنها سه ماه و برابر روایت دیگر، تنها هشت ماه همسر پیامبر بود؛ زیرا وی در همان سال در گذشت.

محمد در ۵۷ سالگی، ام سلمه را به همسری خود برگزید. و او را در خانه ای جاداد که قبلا او، زینب بنت جحش را در ۵۸ سالگی به عقد خود درآورد.

ازدواج او با صفیه، در سن ۶۰ سالگی صورت پذیرفت. سپس او با جویرییه، میمنه، ام حبیبیه، ماریه و... ازدواج کرد. شهوت پرستی، شهرت پرستی، پول و جاه و جلال و مقام دلایل ازدواج های مکرر محمد بودند. محمد در ۱۱ ازدواجش که ۹ مورد آن به صورت هم زمان بوده و این تعدد همسران در سن ۵۴ تا ۶۱ سالگی است. از میان آن ها فقط عایشه دختری «باکره» بود.

گفته اند که چون سن سوده زیاد بود و پذیرای مرد نبود، خودش به پیامبر پیشنهاد کرد که شبی که نوبت اوست، نزد عایشه باشد.

محمد شب های خود را میان همسران و دو کنیز خود (ماریه قبطیه و ریحانه قرظنیه) تقسیم می کرد. محمد به اسیران و کنیزهای خود نیز رحم نمی کرد. او تا پایان عمر خویش، هیچ یک از زنان خود را طلاق نداد چون که آن ها را مانند اشیای خود می دید.

مطهری، به عنوان یک اسلام شناس کامل، در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۵۴، به نقل یک حکایت تاریخی می پردازد که در آن، «عروه بن زبیر» از خاله خویش - عایشه - در مورد رفتار پیامبر با همسرانش سؤال نمود. عایشه در جواب چنین گفت: «رسم پیغمبر این بود که هیچ یک از ما را بر دیگری ترجیح نمی داد. با همه به عدالت و تساوی کامل رفتار می کرد. کم تر روزی اتفاق می افتاد که به همه زنان خود سر نزند و احوال پرسی و تفقد نکند. ولی نوبت هر کس بود، نسبت به دیگران به احوال پرسی قناعت می کرد و شب را در خانه آن فرد به سر می برد که نوبت او بود. اگر احیانا در وقتی که نوبت زنی بود، می خواست نزد زن دیگر برود، رسماً می آمد و اجازه می گرفت. اگر اجازه داده می شد می رفت و اگر داده نمی شد نمی رفت. من شخصا این طور بودم که هر وقت اجازه می خواست، نمی دادم.» چه داستانی؟ داستانی که راه انداختن حرمسرا و تجاوز به زنان، کنیزان و اسیران انتقادی ندارد؟! حرمسراهائی که برخی پادشاهان ایرانی و حاکمان اموی و عباسی دایر کرده و در آن صدها زن در خدمت عیاشی شاهان قرار می گرفتند، در واقع سنت محمد را ادامه می داده اند. برخی پادشاهان از جمله فتحعلی شاه قاجار که دارای حرمسرای یک صد هزار نفره بوده است شاید به لحاظ کمیت قابل مقایسه با محمد نباشد اما در نفس و ماهیت غیرانسانی آن هیچ تغییر نمی دهد.

در قرآن، آیات مخصوص محمد نیز کم نیستند. از عایشه، روایت شده است که به پیامبر گفته است: «چنین به نظر من می رسد که خداوند تو در ارضای امیال تو شتابان است.» و واقعا هم چنین بوده است. در قرآن آیات ویژه ای وجود دارند که تنها مخصوص محمد هستند و قوانین و رفتارهایی که سایر مسلمانان باید در چهارچوب آن ها رفتار کنند برای محمد وجود نداشته است. در زیر چند نمونه از این آیات که محمد در آن ها از جانب خدایش برای خود امتیازاتی فوق العاده قائل شده است را می خوانید.

سوره احزاب آیات ۲۸ و ۲۹: «ای پیامبر، به زنان بگو: اگر خواهان زندگی دنیا و زینت های آن، هستید بیایید تا شما را بهره مند سازم و به وجهی نیکو رهایتان کنم؛ و اگر خواهان خدا و پیامبر او و سرای آخرت هستید، خدا به نیکوکاران تان پاداشی بزرگ خواهد داد.»

این آیت، آشکارا نشان می دهد که زنان محمد از وضعیت مادی خود رضایت نداشته اند. در این آیت خداوند جهان، به کمک محمد آمده و تلاش می کند مشکلات محمد را با وعده های «دروغین آخرت» حل و فصل کند.

سوره احزاب آیت ۳۳: «و در خانه های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می کردند، زینت های خود را آشکار مکنید و نماز بگذارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد.»

سوره احزاب آیت ۳۷: «و تو، به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی، گفتی: زنت را برای خود نگه دار و از خدای بترس در حالی که در دل خود آن چه را خدا آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی، حال آن که خدا از هر کس دیگر سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، به همسری اش در آوردم تا مؤمنان را در زناشوئی با زنان فرزندان خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، منعی نباشد و حکم خداوند شدنی است.»

این آیت، مربوط به ماجرای زید و زینب است. زید فرزند خوانده محمد بود و همسری زیبا داشت. در دوران پیش از اسلام، اعراب فرزند خوانده های خود را همانند فرزندان خود می انگاشتند و زنان آن ها را بر خود حرام می دانستند. محمد روزی برای دیدار با زید به منزل او می رود و زینب را در خانه و عریان می بیند و علاقه مند به او می شود. این علاقه مند شدن در این آیت نیز آمده است، محمد چیزی را در دل خود پنهان می کرده است. البته ظاهرا چندان هم پنهان کاری در کار نبوده است. محمد سر انجام باعث می شود تا زید زن خود زینب را طلاق دهد و پیامبر ۵۸ ساله با زینب ۳۵ ساله ازدواج می کند. و دلیل این ازدواج بر اساس گفته قرآن این است که مؤمنان بیاموزند می توانند با زنان فرزندان خواندگان خود ازدواج کنند.

سوره احزاب آیت ۵۰: «ای پیامبر، ما زنانی را که مهرشان را داده ای و آنان را که به عنوان، غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته است مالک شده ای و دختر عموها و دختر دایی ها و دختر خاله های تو را که با تو مهاجرت کرده اند بر تو حلال کردیم، و نیز زن مؤمنی را که خود را به پیامبر بخشیده باشد، هر گاه پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد این حکم ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما می دانیم در باره زنانشان و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا آمرزنده و مهربان است.»

در این جا خداوند به پیامبر اجازه می دهد تا با هرکس که می خواهد ازدواج کند. و محمد نیز از این حق خود، بسیار خوب استفاده کرده است.

سوره احزاب آیت ۵۱: «از زنان خود هر که را خواهی به نوبت موخر دار و هر که را خواهی با خود نگه دار و اگر از آن ها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست در این گزینش و اختیار باید که شادمان باشی و غمگین نشوند

و از آن چه همگی شان را ارزانی می داری باید که خوشنود گردند و خدا می داند که در دل های شما چیست و خداست که دانا و بردبار است.»

سوره احزاب آیت ۵۲: «بعد از این زنان، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان، اختیار کردن، هر چند تو را از زیبایی او خوش آید، مگر آن چه به غنیمت به دست تو افتد و خدا مراقب هر چیزی است.»

زیباترین زنان پیامبر آنانی بودند که در جنگ ها به تصرف او در آمده بودند. جویرییه و صفیه دو نمونه بارز از این نوع تصرفات پیامبر بودند. گویا این آیت در هنگام اعتراض عایشه به آیات زیاده خواهانه پیامبر در مورد زنان، توسط او سروده شده است.

سوره احزاب آیت ۵۳: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه های پیامبر داخل مشوید مگر شما را به خوردن طعامی فرا خوانند، بی آن که منتظر بنشینید تا طعام حاضر شود اگر شما را فرا خوانند داخل شوید و چون طعام خوردید پراکنده گردید نه آن که برای سرگرمی سخن آغاز کنید هر آنچه این کارها پیامبر را آزار می دهد و او از شما شرم می دارد ولی خدا از گفتن حق شرم نمی دارد و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید این کار، هم برای دل های شما و هم برای دل های آن ها پاک دارنده تر است شما را نرسد که پیامبر خدا را بیازارید، و نه آن که زن هایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید این کارها در نزد خدا گناهی بزرگ است.»

زنان محمد حق نداشتند حتی بعد از مرگ او با کس دیگری ازدواج کنند و باید تا آخر عمر خود بیوه می ماندند. مثلاً صفیه در ۱۷ سالگی به تصرف محمد ۵۹ ساله در آمد و ۴ سال با او زندگی کرد و در ۳۹ سال باقی زندگی خود بعد از مرگ او حق نداشت با کسی ازدواج کند و به عنوان یک بیوه مرد.

سوره تحریم آیت ۱: «ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا بر تو، حلال کرده است، به خاطر خوشنود ساختن زنان بر خود حرام می کنی؟ و خدا آمرزنده و مهربان است.»

این آیت در مورد ماجرای ماریه قبطی است. ماریه کنیز حفصه از زنان محمد بوده است. محمد روزی به خانه حفصه رفته است و ماریه را تنها دیده است و با او همبستر شده است. حفصه به خانه برگشته و محمد را در حال نزدیکی با کنیز خود در خانه می بیند. محمد قسم می خورد که دیگر با ماریه همبستر نشود و از حفصه می خواهد که این راز با کسی بازگو نکند. اما حفصه این راز را با همه در میان می گذارد و پیامبر از تصمیم خود باز می گردد و این آیت را نازل می کند. و تحریم را از سر راه خود برمی دارد.

سوره تحریم آیت ۵: «شاید اگر شما را طلاق گوید پروردگارش به جای شما زنانی بهتر از شما باشد، بدهد زنانی مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه کننده، اهل عبادت و روزه گرفتن، خواه شوهر کرده، خواه باکره.»

در این نیز زنان محمد تهدید می شوند که اگر دست از فتنه جوئی بر ندارند، پیامبر آن ها را طلاق داده و خداوند قادر و متعال زنان بهتری را به او خواهد داد.

به این ترتیب، محمد پایه های اسلامی را با جنگ و خونریزی و غارت و سیاست های فاشیستی و به ویژه قوانین ضدزن گذاشت و حکومت اسلامی نیز قوانین خود را با اتکاء به قوانین حکومت اسلامی محمد و مانیفست آن قرآن، منطبق کرده است. بر این اساس، نگرش سران حکومت اسلامی به مسأله انسان به ویژه حقوق و آزادی زنان، رابطه مستیقی با بقای قدرت آن ها دارد. اگر زنان به عنوان نصف جامعه، سرکوب و مرعوب شوند طبیعتاً مرعوب کردن نصف دیگر جامعه ساده تر می شود. با همین توجیهات مذهبی، مسلمانان قرآن را بالای سرشان گرفته اند تا از یک سو با تحریک احساسات بخش عقب مانده و مذهبی جامعه، پایگاهی برای خود دست و پا کنند و مخالفان را شدیداً سرکوب کنند. و از سوی دیگر، از زنان به طور ابزاری در پیش برد اهداف سیاسی خود بهره برداری سیاسی کنند. در واقع هر قدر زنان خانه نشین شوند به همان نسبت هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی به نفع سرمایه داران و حکومت

سرمایه داری اسلامی آنان است. بنابراین، یک مسأله اصلی دیگر برای حکومت در قانونی کردن فحش‌های اسلامی، سودآوری کردن آن برای آخوندها و نهادهای اسلامی است و جنبه مادی دارد. عایدات بخش مذهبی از صورت اسلامی دادن به فحشاء یا اسلامی کردن آن، وجهی است که برای ثبت ازدواج موقت به روحانیونی که صیغه را می خوانند یا می نویسند پرداخت می شود. بدون پرداخت این وجه، رابطه ای که موارد بسیاری از آن در عرف و سنت فحشاء تلقی می شود رسمیت نمی یابد و به قوانین حکومت اسلامی تبدیل نمی شود. بنابراین، بسیاری از آخوندها، دلالت اصلی فحش‌های اسلامی هستند.

پنجشنبه هفدهم حوت ۱۳۹۱ - هفتم مارچ ۲۰۱۳

ادامه دارد